



spiritual growth in the age of the reappearance and its relationship with Economic development

Dr. Hoseinia Seyyed Mohammadreza ¹

Dr. Mahmoud Haji Ahmadi ²

Zahra Moradipour ³

Abstract

Islam is a religion that was revealed to the last nation by its last messenger, and this issue requires that its positive and negative concepts and propositions be consistent with all time and place conditions and not neglect any aspect of worldly and hereafter life. On the other hand, religious sources and texts testify to the fact that the orders and recommendations, commands and prohibitions in the Qur'an and the practical life of the distinguished and innocent people of this school are based on the all-round material and spiritual happiness of man. One of the dimensions of individual and social human life is its economic dimension. This dimension can have a significant impact on other aspects of human life. Accordingly, special attention has been paid to this issue in the promised global unified government, religious teachings show that access to economic development must be based on the sublime goals of religion, including spiritual growth. In the promised government, we will face an advanced fate, the main support of which is the all-round growth and excellence of the individual and society. The research issue in this research is the special relationship between economic development and spiritual growth. The results of the research, which was carried out with descriptive analytical method, show that there is a logical and deep connection between religion and economy in such a way that the correct economic school can be systemized according to the verses and traditions

Keywords: progress, spirituality, economic development, reappearance

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
1. Associate Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University (Corresponding Author) (m.hoseinia@ilam.ac.ir)
 2. Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran (m.hajiahmadi@litr.ui.ac.ir)
 3. Ph.D. student in Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran (z.setareh.1402@gmail.com)

رشد معنوی در عصر ظهور و ارتباط آن با توسعه‌ی اقتصادی

سید محمدرضا حسینی‌نیا^۱

محمود حاجی احمدی^۲

زهرا مرادی‌پور^۳

چکیده

اسلام به‌عنوان یک مکتب جامع، برنامه‌ای کامل برای هدایت انسان در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی ارائه کرده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان، بعد اقتصادی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رشد معنوی قرار دارد. در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به‌واسطه‌ی رشد معنوی، استعدادهای انسانی شکوفا شده و به بالاترین سطح خود خواهد رسید. مسئله‌ی اصلی این پژوهش، بررسی ارتباط میان رشد معنوی در حکومت امام مهدی علیه السلام و توسعه‌ی اقتصادی است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حکومت مهدوی، پیوندی عمیق و منطقی میان معنویت و اقتصاد برقرار است، به‌گونه‌ای که شکوفایی معنوی انسان‌ها به رشد پایدار اقتصادی منجر می‌شود. همچنین، الگوبری از این نظام اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز ترویج اخلاق صحیح و دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی عادلانه در جامعه‌ی کنونی باشد.

واژگان کلیدی

رشد معنوی، توسعه‌ی اقتصادی، عصر ظهور، عدالت اجتماعی، حکومت مهدوی.

مقدمه

اقتصاد به‌عنوان یکی از ارکان اساسی زندگی بشر، تأثیر عمیقی بر روابط اجتماعی، فرهنگی و حتی اعتقادی جوامع دارد. در دنیای معاصر، توسعه اقتصادی به‌عنوان شاخصی برای سنجش پیشرفت کشورها و جوامع در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که بسیاری از

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه ایلام، ایران (نویسنده مسئول)
(m.hoseininia@ilam.ac.ir)

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، ایران (m.hajiahmadi@ltr.ui.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایران (z.setareh.1402@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

نظام‌های اقتصادی مدرن، به‌ویژه آن‌هایی که تحت تأثیر اندیشه‌های سکولار و لیبرال قرار دارند، دین و ارزش‌های معنوی را از فرآیندهای اقتصادی جدا می‌کنند. در مقابل، آموزه‌های اسلامی نه تنها بر اهمیت اقتصاد تأکید دارند، بلکه آن را در پیوندی تنگاتنگ با ارزش‌های معنوی و اخلاقی قرار می‌دهند.

مسئله‌ی اصلی این تحقیق بررسی ارتباط میان رشد معنوی در حکومت امام مهدی (علیه‌السلام) و توسعه اقتصادی است. طبق روایات اسلامی، در حکومت مهدوی، رشد معنوی و شکوفایی اقتصادی هم‌زمان و به‌طور متقابل تأثیرگذار خواهند بود. بر اساس آموزه‌های اسلامی، اقتصاد در دوران ظهور نه فقط ابزاری برای تأمین نیازهای مادی، بلکه به‌عنوان بستری برای رشد معنوی و تقرب به خداوند عمل خواهد کرد. این پژوهش در تلاش است تا رابطه میان رشد معنوی و توسعه‌ی اقتصادی در حکومت مهدوی را تبیین کند و به بررسی نقش آن در ایجاد توسعه‌ی اقتصادی عادلانه و پایدار بپردازد.

هدف این تحقیق، تبیین چگونگی تأثیر رشد معنوی بر فرآیند توسعه اقتصادی در دوران حکومت امام مهدی (علیه‌السلام) و همچنین بررسی الگوهایی است که از این پیوند می‌توان برای اصلاح و بهبود نظام‌های اقتصادی معاصر استفاده کرد. بنابراین، سوال اصلی تحقیق این است که چگونه رشد معنوی در حکومت امام مهدی (علیه‌السلام) به توسعه‌ی اقتصادی کمک می‌کند و این پیوند چه تأثیراتی بر عدالت اجتماعی و شکوفایی اقتصادی خواهد داشت؟

این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات دینی به تحلیل ارتباط میان این دو عنصر می‌پردازد. همچنین، فرضیه اصلی تحقیق این است که رشد معنوی و توسعه اقتصادی در حکومت امام مهدی (علیه‌السلام) به‌طور هم‌زمان و در تعامل با یکدیگر پیش خواهند رفت، به‌گونه‌ای که شکوفایی معنوی انسان‌ها منجر به توسعه اقتصادی پایدار و عادلانه خواهد شد.

در این مقاله، ابتدا به بررسی مفاهیم پایه‌ای مانند رشد معنوی و توسعه اقتصادی خواهیم پرداخت، سپس رابطه این دو را در قالب حکومت مهدوی تحلیل خواهیم کرد. در نهایت، نتایج این پژوهش به‌عنوان الگویی برای نظام‌های اقتصادی معاصر مطرح می‌شود.

مفاهیم

۱. توسعه

توسعه به معنای پیشرفت همه جانبه و چندبعدی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. این مفهوم بهبود کیفیت زندگی افراد و ارتقای شاخص‌های انسانی را شامل می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۸؛ خلعتبری، ۱۳۸۵: ۶۳۷). توسعه به طور کلی مفهومی جامع و گسترده است که ابعاد مختلف زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد و هدف آن رسیدن به وضعیت عالی و ایده‌آل در تمامی جنبه‌های فردی و اجتماعی است (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۸؛ خلعتبری، ۱۳۸۵: ۶۳۷).

توسعه در اصطلاح اقتصادی ابتدا به معنای رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) مطرح شد، اما در طول زمان، این مفهوم گسترش یافت و به عنوان فرآیندی چندبُعدی شناخته شد. در دهه‌های اخیر، توسعه به عنوان فراتر از یک پدیده اقتصادی، به ابعادی چون توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز توجه کرده است (زاکس، ۱۳۷۷: ۲۲). این تغییر نگرش نشان می‌دهد که توسعه باید به عنوان یک فرآیند جامع و چندبعدی در نظر گرفته شود که به طور همزمان نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها را پاسخ دهد.

۲. توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی به معنای بهبود مستمر و گسترده شرایط اقتصادی یک کشور یا منطقه است و به ویژه افزایش سطح رفاه عمومی، کاهش فقر، و ارتقای شاخص‌های زندگی مردم را شامل می‌شود (تودارو، ۱۳۶۹: ج ۱: ۲۳). این مفهوم به طور معمول با معیارهایی چون رشد اقتصادی، کاهش بیکاری، افزایش تولید و بهره‌وری، و ارتقاء استانداردهای زندگی مرتبط است.

توسعه اقتصادی نه فقط شامل رشد کمی تولید است بلکه تغییرات ساختاری در اقتصاد را نیز در بر می‌گیرد. این تغییرات می‌تواند شامل توسعه زیرساخت‌ها، ارتقاء نهادهای اقتصادی و اجتماعی، و افزایش ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی باشد (رجالی تهرانی، ۱۳۹۰: ص ۹۲). در این راستا، مفهوم توسعه اقتصادی بر رشد پایدار و عادلانه تأکید دارد که نه فقط به طور کمی بلکه به طور کیفی نیز به رفاه مردم و عدالت اجتماعی توجه می‌کند.

۳. معنویت

معنای لغوی:

معنویت در لغت به مفاهیم متعددی اشاره دارد که شامل "حقیقی"، "راست"، "اصلی"، "ذاتی"، "مطلق"، "باطنی" و "روحانی" است و در مقابل مفاهیم مادی، صوری و ظاهری قرار می‌گیرد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۷۱۱). واژه "معنوی" به معنای "مربوط به معنی" یا "دارای ماهیت روحانی" استفاده می‌شود و در مقابل مفاهیم مادی و جسمانی قرار می‌گیرد (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۴۳، ۷۶۴).

معنای اصطلاحی معنویت:

در کاربرد اصطلاحی، معنویت به مجموعه‌ای از باورها و رفتارها گفته می‌شود که انسان را به سوی تعالی روحانی و اخلاقی هدایت می‌کند و ارتباطی عمیق با ایمان و ارزش‌های دینی دارد. برخی از محققان معتقدند که معنویت می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد و حتی به جستجو برای یافتن معنا در زندگی و کائنات اشاره کند (Geigle, ۲۰۱۲: ۱۴). هافمن (۱۹۹۷) برخی برداشت‌های مختلف از معنویت را مطرح کرده است که به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی معنویت عابدانه که بر اساس آداب مذهبی شکل می‌گیرد، و دیگری معنویت کل‌گرایانه که به نوعی فلسفه کلی زندگی انسانی و جستجوی معنا اشاره دارد.

معنویت دینی:

از منظر دینی، معنویت به عنوان شکلی از زیستن توصیف می‌شود که بر پایه رابطه‌ای قلبی و ایمانی با خداوند قرار دارد. این رابطه بر مبنای تعالیم و حیانی زندگی فرد را معنا می‌بخشد و او را به سمت رستگاری و سعادت هدایت می‌کند (حاجی‌ابراهیم و یآوری، ۱۳۹۷: ۵۸). شهید مرتضی مطهری نیز معنویت را به عنوان ارزش‌های انسانی و گرایش‌های به حقایق ماورایی و فوق‌حیوانی تعریف کرده است (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۸). به طور خاص، معنویت دینی تأکید دارد که انسان در پی ارتباط با خداوند و طی مسیر اخلاقی و عملی در زندگی فردی و اجتماعی خود، به کمال می‌رسد.

در این زمینه، معنویت نقش مهمی در تحقق اهداف بلندمدت انسانی ایفا می‌کند و می‌تواند به عنوان یک نیروی محرکه برای تغییرات اجتماعی و اقتصادی مثبت در جوامع نیز عمل کند.

پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی موضوع پژوهش حاضر کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است که ما به تعدادی از آنها که ارتباط بیشتری با تحقیق ما دارد اشاره می‌کنیم:

مقاله‌ای با عنوان «پیشرفت اقتصادی در عصر حکومت مهدوی، با تأکید بر روایات اسلامی» به قلم علیرضا رجالی تهرانی نگاشته شده است که مؤلف در آن با تکیه بر سفارش‌ها قرآنی و روایی ضمن تبیین مفهوم پیشرفت و توسعه آن را به عصر ظهور و حکومت معصوم ارتباط می‌دهد.

مقاله‌ی دیگر با عنوان «اقتصاد عصر ظهور» از محسن اسداللهی، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اقتصادی حکومت مهدوی و بایدها و نبایدهای اقتصاد جوامع را مورد بررسی قرار داده است.

«درآمدی بر توسعه پایدار عصر ظهور» از سعید فراهانی فر با استفاده از آموزه‌های دینی به‌ویژه روایات مربوط به عصر ظهور، خصوصیات جامعه توسعه‌یافته در آن زمان را به بحث می‌گذارد. این مؤلف معتقد است در چنین جامعه‌ای دل‌نگرانی‌های موجود درباره‌ی پایداری توسعه و آثار تخریبی توسعه‌یافتگی بر محیط زیست و نیز بی‌عدالتی در بهره‌مندی از مواهب توسعه وجود نخواهد داشت و با توجه به آرمانی بودن این جامعه، لازم است جهت‌گیری فعالیت‌های اقتصادی جوامع اسلامی به‌سوی تحقق توسعه پایدار باشد.

هر چند آثار علمی فوق به بحث اقتصاد و توسعه‌ی اقتصادی در عصر ظهور پرداخته‌اند، ولی هیچ‌کدام از آنها به ارتباط میان رشد اقتصادی و رشد معنوی نپرداخته‌اند که این پژوهش درصدد پرداختن به این موضوع مهم است.

الف) ارتباط پیشرفت معنوی و توسعه‌ی اقتصادی

بدون شک برنامه‌ی عبادی اسلام شامل ابعاد متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، فردی و اجتماعی هست که نادیده گرفتن هر قسمت سبب نقصان در ایمان شخص خواهد شد. از این منظر قرآن به‌عنوان منشور اعتقادی و رفتاری، شامل دستورات جامعی است به نحوی که تنها به یک بعد توجه ننموده است و جالب‌توجه این که موفقیت و پیشرفت در عرصه معنویت را منوط به پرداختن به همه جنبه‌های دیگر زندگی فردی و اجتماعی می‌داند.

از این منظر میزان باورهای معنوی در بعد اقتصادی جامعه بسیار مؤثر است.

قابل توجه است که براساس مضمون آیه‌ی ۲۰۱ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره داشتن اقتصاد جامع و سالم مصداق حسنه دنیا در برابر حسنه آخرت است (آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۵۶).

همچنین وجود اوامر و نواهی مختلف در آیات و روایات در جنبه‌های مختلف رفتارهای اقتصادی فردی و اجتماعی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع از نظر اسلام است (شوقی احمد، ۱۳۸۹، ۸۱). با عنایت به این توصیه‌ها و دقت در این نشانه‌ها متوجه می‌شویم دین علم اقتصاد را در جایگاه اصلی خود قرار می‌دهد که رسیدن همگانی جامعه به شکوفایی و پیشرفت مالی است که بخشی از آن را می‌توانیم در پیش‌بینی وضعیت جامعه عصر ظهور مشاهده کنیم (محمود بستانی، ۱۳۹۰، ۱۱۲). بینش‌های دینی مسلمانان در زمینه اقتصاد که آن را یک امر ارزشی و عبادی می‌داند، باعث می‌شود همگان سعی کنند برای خود و جامعه فردی مفید و مثمرتر باشند و باعث توسعه و پیشرفت اقتصاد شوند. همین اتکا به مبانی عقیدتی پشتوانه محکمی است تا بسیج عمومی برای توسعه‌ی اقتصادی را ایجاد کند (محمود عبداللهی، ۱۳۷۵، ۱۴۰). بنابراین رفتار اقتصادی مسلمانان تحت تأثیر اعتقادات آنان قرار گرفته و به آن تکامل می‌بخشد (بناء صفری، ۱۳۶۷، ۲۱۴). بر این اساس پیشرفت مادی و معنوی با هم نقطه ایده‌آل رشد انسان محسوب می‌شود که در سایه آن تمام مؤلفه‌های اجتماعی به صورت صحیح در جای مناسب خود قرار می‌گیرند مثل سیاست و صداقت، حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی، جمع بین دنیا و آخرت، ارتباط با خدا و مخلوقات توأمان.

ب) کارکرد مکتب اقتصادی دولت عصر ظهور

بدون شک یکی از مهم‌ترین ابعاد پیشرفت یا پسرفت در تمامی جوامع بعد اقتصاد است و تمامی جوامع نیز به آن توجه ویژه داشته و دارند بر این اساس از برنامه‌ها و اقدام‌های مهم دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، پدیدآوردن رفاه و آسایش اقتصادی و تشکیل یک جامعه واحد جهانی است. در اخبار آمده که برنامه اقتصادی حضرت مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی و علوی به گونه‌ای طراحی شده که تمام افراد در جامعه به مثابه اعضای یک خانواده و به دور از تبعیض‌ها و فواصل طبقاتی و در فضایی آکنده از عدالت اقتصادی زندگی می‌کنند همین امر هم باعث رشد و تکامل فردی و اجتماعی می‌شود. همچنان که هدف از تشکیل حکومت علوی و مهدوی هم همین امر است که انسان‌ها هم از بعد فردی و هم در بعد اجتماعی و با لحاظ پیشرفت و مادی و معنوی به رشد و تعالی برسند (کارگر، بی‌تا، ۳۳۵). نتیجه آن که اخبار متواتری که خبر از روزگاری می‌دهند که مردم در اوج رفاه و عزت و سربلندی تحت زعامت ولی معصوم به سر خواهند برد با این مفهوم از توسعه‌ی اقتصادی سازگار است.

ج) شاخصه‌های مؤثر در توسعه‌ی اقتصادی و ارتباط آن با رشد معنوی

برای بررسی وضعیت اقتصادی، ملاک‌ها و شاخص‌های گوناگون از سوی دانشمندان علم اقتصاد مطرح شده که میزان عملکرد اقتصاد را تعیین می‌کند؛ اما سخن این جاست که دامنه توسعه اقتصاد و رشد اقتصاد متفاوت است به گونه‌ای که رشد اقتصادی بخش مهمی از توسعه‌ی اقتصادی به شمار می‌رود؛ بر این اساس توسعه‌ی اقتصادی تمام ابعاد کمی و کیفی اقتصاد هر جامعه‌ای را شامل می‌شود. توسعه به یک اعتبار اساساً به معنای دگرگونی ساختاری است و این دگرگونی همه عرصه‌ها را در بر می‌گیرد (مؤمنی، ۱۳۷۴، ۱۴۱). برخی از این شاخص‌ها به تنهایی و برخی ترکیبی نشان دهنده توسعه‌ی اقتصادی هستند. در ادامه برخی از این شاخصه‌ها اشاره و توصیه و ریشه‌یابی آنها را در قرآن یا روایات و تجلی پیشرفته و همه‌جانبه آنها را در عصر ظهور بازگو می‌شود.

۱. نقش دولت در توسعه‌ی اقتصادی

نقش دولت‌ها در روند زندگی سیاسی و اقتصادی به‌ویژه توسعه روشن است، دولت‌مردان همواره در امور اقتصادی وارد می‌شوند و اساساً دولت ابزاری برای رسیدن به اهداف اقتصادی است چرا که تجربه نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی تقریباً محال است و با توجه به تعریف توسعه‌ی اقتصادی که رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد در سایه تحول بنیان‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی است این مسئله روشن است (احمدی و شهری، ۱۳۹۲، ۸). از سویی رسیدن به وضعیت ایده‌آل این مؤلفه‌ها نیازمند وجود قانون‌گذار و دولت‌مردانی است که به بهترین نحو ممکن شاخه‌های تبیینی در امر توسعه را پایه‌ریزی و عملیاتی کنند تا جلوه اجتماعی خاص داشته باشد.

دقت در تعریف جرالده مایر از توسعه‌ی اقتصادی که رشد اقتصادی توأم با تحولات در دو حوزه ارزش‌ها، نهادها و تغییرات فنی است باز هم این مطلب را تأیید می‌کند. پس برای این که جامعه‌ای در مسیر توسعه قرار بگیرد باید زیربناها و زمینه‌های لازم از طریق تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای فکری، فرهنگی، اجتماعی، تولیدی و اداری ایجاد شود و همه اینها با دخالت و ابتکار دولت میسر است (موسوی جهرمی، ۱۳۹۲، ۲۷). و رئیس دولت در این اقدام نقش اساسی دارد چنانچه توسعه‌ی اقتصادی کره جنوبی با رهبری قدرتمندانه رئیس‌جمهور آن کشور «پارک» آغاز شد (جرالد. م. مایر، ۱۳۷۵، ۲۵۷). لوییسی می‌گوید:

جامعه عقب مانده‌ای با دولت اقتدارگرا که خود را مصمم به رشد اقتصادی دانسته و

از مسائل مربوط شناخت درستی دارد همیشه از جامعه عقب مانده‌ای که بر مبنای فردگرایی است سریع‌تر رشد می‌کند. حکومت‌ها هم می‌توانند هوشیارانه عمل کنند هم اقتدارگرا باشند و هم توجه قلبی مردم را نسبت به خود معطوف دارند؛ ولی جمع شدن این سه خصوصیت در یک دولت استثنا است نه قاعده. نرخ بالای پس‌انداز کشور ژاپن، ممکن است مدیون برخی عوامل فرهنگی باشد، ولی بیشتر مدیون سیاست‌های هوشمندانه دولتی است (جرالد. م. مایر، ۱۳۷۵، ۲۷۹-۲۸۹).

تأثیرات سیاسی دولت‌ها بر توسعه هم غیرقابل انکار است؛ مانند شرایط جنگ، تحریم، استعمار، و... بنابراین نگرش تک‌بعدی و انحصاری به این‌که هر کدام از ابعاد را به تنهایی و بدون در نظر گرفتن نقش دولت‌ها جهت انتظام بخشیدن به تمام ابعاد، صحیح نیست. بنابر منابع و متون دینی هم تشکیل حکومت از اساسی‌ترین اهداف ارسال رسولان جهت پیاده نمودن قوانین الهی است و در امتداد رسولان، امامان فرستاده شده به سوی بشریت همین تلاش و مساعدت را داشته‌اند هرچند به ندرت موفق به تشکیل حکومت شدند و در این راستا آخرین فرستاده معصوم خداوند به زیباترین نحو ممکن که بشریت مشاهده نموده تشکیل حکومت خواهند داد و در ظل آن تمام فرامین الهی که برای پیشرفت مادی و معنوی انسان لازم است عملیاتی و اجرایی می‌کنند.

به‌طور کلی می‌توان گفت که اقتصاد اسلامی جزئی از نظام اسلامی است و فعالیت‌های اقتصادی هم جزئی از نظام حکومت است (محتشم دولتشاهی، ۱۳۷۰، ۲۶).

دوران پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون شک، بهترین دوران زندگانی انسان است، چرا که انسان به اوج پیشرفت و تکامل خود می‌رسد. دلیل عدم تحقق وعده‌های مبتنی بر ایجاد جهانی با آن خصوصیات عدم حضور و ظهور انسان کامل معصوم در بین بشریت و ارتقای سطح معنویت و تشکیل دولتی با کارگزاران خاص است، کما این‌که مولای متقیان چنین روشی را در اندیشه بی‌نظیر خود داشتند و اوج آن را در عهدنامه‌ی مالک اشتر شاهد هستیم؛ ولی سوگ‌مندانه به دلیل عدم آمادگی لازم در مردم، شرایط و بستر تحقق آن هرگز به وجود نیامد. از ویژگی دولت عصر ظهور و ویژگی کارگزاران و مسئولین می‌توان گفت وجود معصوم به تنهایی عامل نزول برکات زمینی و آسمانی می‌شود و این واقعیتی انکارناپذیر است که روایات فراوانی بر آن موضوع شهادت می‌دهند و وعده‌های خداوند درباره‌ی خلافت مؤمنان و امامت مستضعفان و وراثت صالحان، عملی می‌گردد، نقش رهبری معصوم که برپایی جامعه‌ای در اوج تکامل شعاعی از عبادتش است، پیشرفت علم و دانش، وجود کارگزاران لایق و کارآمد و

متخصص و متعهد تحقق وعده‌ها را سرعت می‌بخشد (رضوی، ۱۳۸۴، ۱۵۳-۱۷۰).

عدالت

هر فعالیت اجتماعی باید صورت قانونی داشت باشد، طبق نظر امام موسی صدر از اندیشمندان حوزه اقتصاد، امتیازاتی که اسلام برای بستن قرارداد و مشارکت نیروی کار منظور کرده است بیشتر از سرمایه است. نیروی کار در فعالیت‌های تولیدی هم می‌تواند مزد معین درخواست کند و هم در سود یا درآمد مشارکت کند و... وی نشان می‌دهد حقوق و مزایایی که مکتب اسلام برای نیروی کار در نظر گرفته به مراتب بیشتر از مکاتب سرمایه‌داری و کمونیستی است (موسوی جهرمی، ۱۳۹۴، ۲۵۷). همواره این‌گونه بوده که توزیع ناعادلانه منابع ثروت و فرصت‌های مادی باعث بروز مشکلات متعدد در تمام اعصار بوده است، چرا که این نوع عملکرد منفی باعث تجمع ثروت در دست صاحبان زر و سیم و فقیر شدن عده دیگر و در نتیجه ظلم و ستم و ناامنی سراسر آن‌جا را فرا می‌گیرد و این خود نکته‌ی مهمی است که قرآن کریم هم به آن توجه داشته و متذکر گردیده که نباید سیستم اقتصادی مسلمانان به‌گونه‌ای باشد که ثروت فقط در دست اغنیا انباشته باشد و فقط آنان بتوانند مبادله اقتصادی نمایند. تاریخ اجتماعی بشر با اتخاذ تصمیم مخالف این راهکار قرآنی با شکست و نارضایتی انسان‌های فراوان هم همراه بوده است. بر این اساس در دولت مهدوی زمینه اقتصادی به‌گونه‌ای طراحی و مدیریت شده است که منابع ثروت به طور مساوی در اختیار همگان قرار می‌گیرد و خود دولت به نحو عادلانه و بدون هیچ تبعیضی به اعطا و توزیع امکانات مالی اقدام می‌نماید و قطعاً با این روش که منطبق با آیات نورانی وحی است هرگونه سوءاستفاده یا تجمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی منتفی است.

هم‌چنان که از مبانی دین اسلام این است که بیت‌المال باید به طور مساوی در بین مستضعفان و نیازمندان توزیع گردد و امتیازات و پاداش‌ها و اجرت‌ها، مساوی به افراد داده شود. شیوه امام علی علیه السلام نیز مطابق با این روش اسلامی به این صورت (کارگر، بی‌تا، ۳۴۸). توجه به این مطلب ضروری است که از عناصر مهم اختلاف که همواره موجب بروز جنگ و درگیری میان انسان‌ها شده است عدم تحقق عدالت اجتماعی است. برخی انسان‌ها با تصاحب منابع اقتصادی ملت‌ها آنان را به بردگی می‌کشاند این وضعیت در زمان قبل از اسلام به شدت رواج داشت و دقیقاً بر این پایه است که برخی رؤسای قبائل قریش برای مقابله با این موضوع، پیمان حلف‌الفضول را امضا کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله هم از امضاکنندگان این پیمان بود و بعد از بعثت نیز بر پایبندی خویش به این پیمان تأکید می‌کرد (حکیم، ۱۳۹۷، ۱۶). افراد

جامعه با پیشرفت دینی باعث ترقی بعد انسانی خود می‌شوند و اتحاد اجتماعی آن‌ها قوی‌تر می‌شود به گونه‌ای که ضرر جامعه را ضرر خود می‌دانند و در امور اقتصادی پشتیبان و یاریگر هم هستند در این صورت است که حیات انسان صحنه نزاع و درگیری نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۲۳۹). یکی از برنامه‌های روشن حکومت علوی، برقراری عدالت و احقاق حق مظلومان و برخورد شدید با تبعیض‌ها، انحصارات، رانت خواری‌ها، و پایمال‌کنندگان اموال عمومی بوده است.

از ویژگی‌های اقتصاد اسلام تأکید بر توزیع فراگیر و عادلانه سرمایه‌هاست و دولت اسلامی باید همه تلاش خود را به کار گیرد تا ثروت همانند خون در پیکر انسان به همه بخش‌های مختلف کشور راه پیدا کند تا هر قشری بتواند از بیت‌المال به اندازه استعدادش بهره‌مند شود نه آن‌که عده‌ای خاص زمام امور اقتصادی را دست گیرند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۲۴۶). اشراف و اعیان بیشترین و بدترین گروه و طبقه‌ای بودند که در برابر تعلیم انبیا ایستادگی کرده و مانع تبلیغ آنان می‌شدند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۳۲). روایتی به شکل متواتر بیان گردیده به این مضمون که «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يَواطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلؤها عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (مهدی پور، ۱۳۸۸، ۸۸). گذشته از صدها حدیثی که به عنوان «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» آمده، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حق و مظلومه‌ای را فرو نمی‌گذارد، جز این‌که آن را به صاحبش بر می‌گرداند (طبسی، ۱۳۸۸، ۴۸۴). اجرای عدالت کامل و بهره‌وری از ثمرات مطلوب اجتماعی آن با وجود قانونی عادلانه میسر است. این برنامه عادلانه و کامل، همان اسلام است که حکومت مهدوی مبتنی بر آن اداره می‌شود و تا زمان برقراری حکومت امام مهدی علیه السلام بخش قابل توجهی از آن تحریف یا نابود می‌شود و پس از ظهور با تشکیل حکومت آشکار می‌گردد. لوازم اجرای آن هم با حضور معصوم است که در نهان و آشکار به طور دقیق به اجرای این قوانین مبادرت می‌شود، چرا که جنس و مدل حکومت بر دل و قلب انسان‌هاست. این جو فکری و روانی، بهترین فرصت را بر سر راه دعوت و دولت مهدوی قرار می‌دهد، تا به شکلی فراگیر عدالت مستمر و پایدار را اجرا نماید که با هیچ نوع تشکیلات سازمان‌یافته بشری و یا دستگاه‌های پیشرفته الکترونیکی دست‌یافتنی نیست (صدر، ۱۳۸۴، ۴۰۳). پس می‌توان گفت عصر حاکمیت حضرت، همان مدینه‌ی فاضله اسلامی با رفاه و آسایش همگانی است (اکبرنژاد، ۱۳۸۸، ۱۸۱).

فقرزدایی

از مزایای توسعه‌ی اقتصادی این است که شخص را قادر می‌سازد تا زندگی بهتری داشته

باشد و وظایف اسلامی خود را به خوبی انجام دهد چرا که ضعف در اقتصاد باعث ضعف در تمامی شیون فردی و اجتماعی خواهد شد (شعبانی و دیگران، ۱۳۸۵، ۳۵). جامعه دارای لایه‌ها و طبقاتی است و قشر محروم یکی از آنهاست. اسلام برای رفع مشکل این طبقه راهکارهایی از قبیل صدقه، انفاق، اطعام، زکات و خمس است. همچنین یکی از آثار این عمل زیبا نزول برکات برای فرد و جامعه است که بیشترین تأثیر برای عمل انفاق خواهد بود. در این سبک مدیریتی دولت، تحقق عدالت اجتماعی و توسعه کم‌نظیر اقتصادی است (کارگر، بی تا، ۳۴۶). همان‌طور که در آیات متعدد قرآن کریم انسان را به این سبک از زندگی رهنمون می‌شود که همواره مسائل اقتصادی را با زیباترین حالت ممکن در زندگی فردی و اجتماعی پیاده شود و در این راستا توصیه‌های اکید در ارتباط با رسیدگی و توجه مالی و عاطفی با فقرا را شاهد هستیم و سبک زندگی پیشوایان معصوم هم بر این نکته دلالت دارد.

۲. نقش سواد و آموزش در توسعه اقتصادی

امروزه در دنیایی که علم و فناوری با سرعت زیادی پیش می‌رود سواد بدیهی‌ترین شرط برای ورود به این صحنه جهانی است. اهمیت و نقش سواد در توسعه چنان بالاست که در کشورهای توسعه‌یافته جهان نه تنها بی‌سوادی تقریباً ریشه‌کن شده بلکه در بسیاری از این کشورها تحصیل تا چندین سال اجباری است. در مقایسه جوامع، علاوه بر شاخص سواد از متوسط سال‌های تحصیل هر فرد هم استفاده می‌شود (احمدی و شقاقی شهری، ۱۳۹۳، ۱۲). بر طبق نظرات جان اسمیت نیروی کار جزء منابع رشد هر کشوری است و اقتصاددانان کلاسیک، آموزش و رشد دانش را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند، باید توجه داشت توانایی‌هایی که از طریق تقویت آموزش، مطالعه و یادگیری ایجاد می‌شود همواره هزینه‌هایی را در بر دارد که به صورت سرمایه ثابت در فرد مورد نظر تجلی می‌یابد. چنین استعدادهایی ثروت جامعه‌ای است که فرد به آن تعلق دارد (جرالد. م. مایر، ۱۳۷۵، ۲۲). از طرفی دو مقوله بسیار مهم خوداتکایی و خودکفایی هم از ویژگی‌های مهم توسعه اقتصادی هستند که مرهون استفاده از نیروی کار متخصص است، به عنوان مثال برای این که در فرایند توسعه اقتصادی اخلاقی ایجاد نشود ضروری است که کشور وابستگی کلی به عوامل خارجی نداشته باشد. اگر کشور با اتکا به عوامل داخلی به تولید بپردازد باعث رونق و رشد شبکه تولید خواهد شد (موسوی جهرمی، ۱۳۹۲، ۴۵). ادوارد شیلز استاد جامعه‌شناسی و فلسفه‌ی اجتماعی دانشگاه شیکاگو تحقیقی درباره‌ی تحصیلات دانشگاهی کشورهای توسعه‌نیافته انجام داده که نشان می‌دهد

که موفقیت دولت‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه تا حد زیادی به نحوه پیشرفت سیستم دانشگاهی آن کشورها بستگی دارد همچنین در کشورهای توسعه نیافته، رابطه معکوسی بین کیفیت علمی و تعداد فارغ التحصیلان وجود دارد به نحوی که می‌توان گفت کمبود تحصیلات دانشگاهی در این کشورها کیفی است نه کمی. در واقع آن چه به قدر کافی وجود ندارد تحصیل کردگان آموزده‌ای است که بتوانند به خوبی از انجام کارها برآیند (احمدی و شقاقی شهری، ۱۳۹۲، ۱۰۴).

از روایات بر می‌آید که شکل زندگی مردم جهان در عصر قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه با پیشرفت فناوری و صنعت خواهد بود، به عنوان مثال صنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصر چنان خواهد بود که قاره‌های بزرگ جهان عملاً به صورت چند شهر نزدیک به هم در می‌آیند؛ هرچند قسمتی از این امور در پرتو یک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد و سرانجام در مسیر منافع انسان‌ها و صلح و عدالت قرار می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۱۷). در دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، همه مسائل بشری به هدف اصلی و مرز نهایی می‌رسد، و کشف اسرار علمی در جهان هستی به خداشناسی صحیح و اصولی منجر می‌گردد چرا که براساس راهکارهای قرآنی و در مسیر اعتلای صحیح انسان‌ها صورت می‌گیرد و همین نکته اساسی در تفاوت پیشرفت علم و فناوری مادی گرایی با پیشرفت خیره‌کننده و مقبول همه مردم جهان در عصر ظهور است (رضوانی، ۱۳۸۶، ۲۸). براساس آموزه‌های قرآنی اگر جامعه‌ای پرهیزگار و اخلاقی و پایبند به دستورات خدا باشد، برکات آسمان و زمین را به مردم آن جامعه ایمانی و تقوایی نازل می‌فرماید از طرفی در حکومت مهدوی شاهد پیشرفت معنوی بی‌نظیر انسان‌ها و اجرایی شدن اصول اخلاقی و اقتصادی هستیم که به عنوان یک تکلیف شرعی و دینی بر دوش انسان گذاشته شده است و به این ترتیب نعمت‌های آسمانی و زمینی فراوان و کثیر می‌گردند به نحوی که زندگی انسان‌ها در ابعاد دنیوی و اخروی در حد اعلا قرار می‌گیرد (کارگر، بی‌تا، ۳۴۰) و این یکی از اثرات جالب توجه معنویت در زندگی عادی بشر است هم‌چنان که وعده‌های قرآن مبنی بر ملازمه میان رعایت تقوا و معنویت و نزول برکات و توسعه مادیات را بیان می‌دارد (طلاق/۲-۳؛ هود/۵۲؛ آیات فراوان دیگر با این مضمون).

۳. نقش اخلاق در توسعه اقتصادی

ماکس وبر اقتصاددان، مورخ و جامعه‌شناس برجسته‌ی آلمانی در قرن نوزدهم تأثیر رفتار دینی را مخصوصاً بر اخلاق و اقتصاد سیاست بررسی کرده است به اعتقاد او روح سرمایه‌داری یا

هم عقلانی کردن آن با توجه به تعالیم دینی که از نظر وی پروتستان است انسان‌ها را آماده پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی می‌کند چرا که وجود خصوصیات اخلاقی به شدت در روند قانون‌گذاری اقتصادی و اجرای آن در سطح جامعه تأثیرگذار است (احمدی و شقاقی شهری، ۱۳۹۲، ۱۰۱). بنابراین وی اخلاق اقتصادی را برتر از خود اقتصادی داند چرا که براساس اخلاق است که ماهیت پیدا می‌کند، به عنوان مثل ادیان از تنبلی و بیکاری منع کرده‌اند و با توصیه‌های مبتنی بر دستورات فرابشری که سعادت اخروی و ابدی را تأمین می‌کند به کار و تلاش تقدس می‌بخشند و همین عامل باعث پیشرفت اقتصادی می‌شود.

پیوند اخلاق و اقتصاد در عصر ظهور

از جمله اصلاحات وسیع و اقدامات عمیق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، حل مشکلات کاستی‌های اقتصادی از طریق پیاده کردن اقتصاد اسلامی است. با توجه به رسالت اصلی امام در زنده کردن احکام دین شرط لازم در تحقق اقتصاد اسلامی آن است که رشد معنویت در افراد جامعه به آن حد برسد که تمامی مبانی قرآنی و اسلامی را اختیاری و از اعماق وجود در رفتار خود متجلی سازند تا جامعه‌ای عاری از اختلاف و تفرقه که صلح و صمیمیت و صفا و یکپارچگی در بین آنان حاکم است را تشکیل دهند، و این یعنی انسان مورد نظر در عصر ظهور با غلبه بر نفس سرکش، رذائل اخلاقی چون ظلم و ستم و دروغ و ربا و حسد و... را از خود دور ساخته و تمام وجود خود را با فضایل بیان شده در آیات و روایات مزین ساخته و این‌گونه مجری امور نظامی می‌شود که عدالت آن تمام عالم را فرا می‌گیرد (کارگر، ۱۳۸۷، ۳۳۸). بنابراین مبانی اقتصاد اسلامی بر اخلاق استوار است به گونه‌ای که قوانین جامع و مدونی جهت اقتصاد پیشرفته تنظیم نموده که با آن سعادت و رفاه فرد و جامعه تضمین می‌شود (حسینی و قاضی زاده، ۱۳۷۰، ۸). ربا در اسلام حرام و ممنوع اعلام شده است چرا که آثار زیان‌بار از جمله فاصله طبقاتی، تراکم ثروت در دست افراد محدود و عدم به‌کارگیری مفید سرمایه در جامعه به دنبال دارد. ربا شخص و جامعه را از تعادل خارج می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۲۲۶). این عمل شوم توسط منابع اصلی قرآن، سنت، اجماع و عقل تحریم شدید شده است (یوسفی، ۱۳۸۰، ۱۰۲). این عمل شنیع باعث برده‌سازی و برده‌داری و رکود اقتصادی است (سبحانی، ۱۳۸۰، ۱۶۲). نکته‌ای که در مورد ربا می‌توان به آن توجه کرد این است فرد و جامعه را از حالت تعادل خارج می‌کند و باعث عدم به‌کارگیری سرمایه در جامعه می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۲۲۰).

برخی از ممنوعیت‌های اقتصادی در دین اسلام که حضرت مجری عملی آن خواهد بود و

ملت هم با رشد فکری و تربیتی با آغوش باز مطیع می‌شوند ناظر به این مطلب است مثل احتکار و در کنار آن هر نوع انحصارطلبی در منافع و زورگویی در معاملات که باعث محدودیت عده‌ای شود به شدت ممنوع شده است؛ بنابراین معلوم می‌شود که در اسلام محاسبات اجتماعی در امور معیشت، بر منافع شخصی مقدم است (سبحانی، ۱۳۸۷، ۲۳۸). همچنین پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی از مهم‌ترین اصول اخلاقی در اقتصاد اسلامی است، روحیه غنا و بی‌نیازی اسراف و تبذیر است، به همین دلیل است که خداوند برای از بین بردن این روحیه آنان را از اسراف باز می‌دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۳۱). و نیز پرهیز از درآمد نامشروع: امام سجاد علیه السلام در بیان حق مال می‌فرماید: **وَ أَمَا حَقُّ الْمَالِ: فَإِنَّ لَا تَأْخُذَهُ إِلَّا مَنْ جِلَّهُ وَلَا تُنْفِقُهُ إِلَّا فِي جِلِّهِ...**؛ و اما حق مالت این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاورده، و جز در مورد حلال مصرف نکنی (سپهری، ۱۳۸۴، ۱۶۴). کلاهبرداری و غش در معامله اسراف و تبذیر، کم‌فروشی، خرید و فروش مسکرات، قمار، رشوه، سرقت، قانون حرمت خرید و فروش اسلحه و... بر این اساس ارزش‌های اخلاقی می‌توانند موجب تحول شونند مثل هزینه‌های مصرفی به ضروریات و رفاهیات زندگی محدود شود و در مقابل اسراف و ولخرجی کاهش می‌یابد این الگوی رفتاری همراه پرداخت زکات و سایر صدقات انسان دوستانه سرمایه‌گذاری و توسعه و پیشرفت را به دنبال دارد (عمر چپرا، ۱۳۸۴، ۴۵۳).

۴. یکپارچگی و توسعه‌ی اقتصادی

با تأمل در مفهوم توسعه‌ی اقتصادی معلوم می‌شود این پروسه دارای ویژگی‌هایی است که بایستی با هم تحقق پیدا کنند: تحول فکری و فرهنگی زمینه‌ساز توسعه‌ی اقتصادی است تحول در ابعاد و ساختارهای اجتماعی، بنیادهای سازمانی، نگرش‌ها و باورهای مردم، بهبود روش‌های مردم، افزایش کارایی تولید، ابداعات و اختراعات، به‌کارگیری روش‌های جدید گسترش سطوح جامعه، مواظبت بر شوک‌های اقتصادی جهانی همه باید همسو بادوام و مستمر باشند. بر این اساس اگر تمام نهادهای اقتصادی - اجتماعی یک کشور شامل مؤسسات پولی، واحدهای تولیدی، دستگاه‌های اداری و قانون‌گذاری در یک شبکه مرتبط و هماهنگ با هم عمل کنند، حتی در صورت وجود بحران هم قادر خواهد بود به مسیر توسعه ادامه دهد (موسوی جهرمی، ۱۳۹۲، ۴۳). پرهیز از عدم تعادل رشد: در یک جامعه باید همه فعالیت‌ها و پیشرفت‌های اقتصادی هماهنگ باشد در غیر این صورت ممکن است برخی از فعالیت‌ها رشد سرطانی و روزافزون و برعکس برخی دیگر تعطیل شوند و این خود باعث

بی‌نظمی در شیون دیگر آن جامعه خواهد شد. با برنامه‌ریزی دقیق و مناسب باید رشد متعادل ایجاد شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ۱۸۵). برخی از جامعه‌شناسان منشأ عمده انحرافات اجتماعی در سطح پایین جامعه را کمبود اقتصادی و بی‌بهره بودن از دارایی و یکی از عوامل مهم مفاد اجتماعی در سطح بالای جامعه را ثروت‌اندوزی و اهتمام بیش از حد به مال‌اندوزی اعلام کرده‌اند (حقانی، ۱۴۰۰، ۴۰۶). در سال ۱۹۹۰ متفکران توسعه، شاخص (HDI) را مطرح کردند و اساس آن لازمه‌ی پیشرفت جوامع علاوه بر رفاه اقتصادی، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است؛ بنابراین عنصر مهم برای رسیدن به زندگی بهتر برآورده‌کردن نیازهای روحی، امید به زندگی و شایستگی زندگی است (احمدی و شقاقی شهری، ۱۳۹۲، ۲۳).

نتیجه‌گیری

خداوند متعال راه‌های رسیدن به حیات طیبه و جامعه متعالی را در قالب دین برای بشر بیان فرموده اما کسی از افراد بشر توانمندی اجرای کامل فرامین و رسیدن به آن مطلوب را نداشته و تنها به دست معصوم و برگزیده الهی، که مطیع بی‌چون و چرای فرامین الهی است محقق می‌شود. شرایط مادی و معنوی و حضور معصوم در دوران باشکوه ظهور، به‌گونه‌ای است که عدالت، حقوق فردی و اجتماعی، مقررات اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و... در حد و مطلوب اجرا و عمل می‌شود، به نحوی که آرامش روحی و روانی انسان‌ها هم تأمین است، در آن دوران علم هم در مسیر رشد شگفت‌انگیز قرار می‌گیرد و همین امر باعث ریشه کن شدن فقر و بیماری‌های اقتصادی در جامعه موعود می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که تنها راهی که انسان بتواند به تکامل مطلق برسد تلاش در جهت حفظ و رشد معنویت فردی و اجتماعی است که یکی از ابعاد متأثر از آن مبحث اقتصاد است.

منابع

۱. احمدی، علی محمد و شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۴)، *توسعه‌ی اقتصادی و برنامه‌ریزی*، تهران: نورعلم، چهارم.
۲. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *تبیین شاخص‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام (با تأکید بر قرآن کریم)*، پایان‌نامه دکتری.
۳. اسلامی، ابوالفضل (۱۳۷۴)، *اقتصاد فطری*، تهران: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی.
۴. اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم: بوستان

- کتاب.
۵. امینی، ابراهیم (۱۳۸۰)، *دادگستر جهان*، قم: شفق.
 ۶. انصاری، محمدجعفر و دیگران (۱۳۷۸)، *درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی*، تهران: سمت.
 ۷. برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۶)، «معنویت در آخرالزمان؛ نگاهی آسیب شناسانه»، *فصلنامه مشرق موعود*، شماره ۴۴.
 ۸. بستانی، محمد (۱۳۸۹)، *اسلام و جامعه شناسی*، ترجمه: موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
 ۹. بناء صفری، مهدی (۱۳۶۷)، *طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۱۰. بهشتی، محمد (۱۴۰۰)، *آموزه های تربیتی قرآن کریم*، قم: سمت.
 ۱۱. تودارو، مایکل (۱۳۶۹)، *توسعه ی اقتصادی در جهان سوم*، غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه ی حقوق بشر*، قم: اسرا.
 ۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *نسبت دین و دنیا*، قم: اسرا، چهارم.
 ۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *جامعه در قرآن*، قم: اسرا.
 ۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، *انتظار بشر از دین*، قم: اسرا.
 ۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه*، قم: اسرا.
 ۱۷. چپرا، عمر (۱۳۸۴)، *آینده ی علم اقتصاد*، ترجمه: احمد شعبانی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 ۱۸. حاجی ابراهیم، رضا؛ یاورى، سهیلا (۱۳۹۷)، «هویت معنویت دینی از منظر آموزه های شیعی مهدوی»، *فصلنامه مشرق موعود*، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
 ۱۹. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۳)، *جامعه شناسی اخلاق*، تهران: جامعه شناسان.
 ۲۰. حسینی، سیدجعفر؛ قاضی زاده، محمد (۱۳۷۰)، *اقتصاد در فقه اسلامی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۱. حقانی، ابوالحسن (۱۴۰۰)، *روان شناسی اجتماعی*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام

خمینی رحمته الله عليه.

۲۲. حکیم، سید محسن (۱۳۹۷)، *جنگ و صلح در حقوق بین الملل اسلام*، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

۲۳. حکیمی، محمد (۱۳۷۰)، *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۲۴. خدادادی، محمد اسماعیل (۱۳۸۵)، *مبانی علم سیاست*، قم: یاقوت.

۲۵. خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۵)، *توسعه اقتصادی ایران*، بی جا: بی نا.

۲۶. خلیلیان اسکندری، محمد جواد (۱۳۸۴)، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله عليه.

۲۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۸. رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۹۰)، «پیشرفت اقتصادی در عصر حکومت مهدوی با تأکید بر روایات اسلامی، *انتظار موعود*، سال یازدهم، شماره ۳۵.

۲۹. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶)، *حکومت حضرت مهدی در عصر ظهور*، قم: مسجد مقدس جمکران.

۳۰. رضوی، رسول (۱۳۸۴)، *امام مهدی علیه السلام*، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

۳۱. رودگر، محمد جواد (۱۴۰۰)، *عرفان اجتماعی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۲. سبحانی، جعفر (۱۳۷۸)، *سیمای اقتصاد اسلامی*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۳۳. سبحانی، حسن (۱۳۸۰)، *دغدغه‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.

۳۴. سپهری، مهدی (۱۳۸۴)، *رساله‌ی حقوق امام سجاد علیه السلام*، قم: دارالعلم.

۳۵. شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۷۹)، *جامعه‌ی سیاسی اسلامی*، ترجمه: سید مرتضی آیت‌الله زاده، تهران: دانشگاه تهران.

۳۶. شوقی دنیا، احمد (۱۳۸۹)، *برداشت‌های اقتصادی از قرآن کریم*، ترجمه: محمد صفری، مقدمه: دکتر احمد شعبانی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۳۷. صدر، محمد (۱۳۸۴)، *تاریخ پس از ظهور*، ترجمه: حسن سجادی پور، تهران: موعود نصر.

۳۸. صدر، محمد باقر (۱۳۵۷)، *بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، تهران: انتشارات اسلامی.

۳۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲)، *خلاصه‌ی تعالیم اسلام*، تهران: انتشارات کعبه.
۴۰. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۸)، *تا ظهور*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه.
۴۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق)، *الغیبه*، ترجمه: مجتبی عزیزی، قم: مسجد مقدس جمکران.
۴۲. عبداللهی، محمود (۱۳۷۵)، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، قم: جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. فغفور مغربی، حمید (۱۳۹۰)، *سیره‌ی اجتماعی سیاسی امام علی علیه السلام*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۴۴. کارگر، رحیم (۱۳۸۷)، *آینده‌ی جهان*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۴۵. الکنس، دیوید (۱۳۸۵)، «فراسوی دین به سوی معنویت انسان‌گرا»، *هفت آسمان*، سال هشتم، شماره ۲۹.
۴۶. مایر، جرالدم (۱۳۷۵)، *از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه*، ترجمه: غلامرضا آزاد، تهران: میترا.
۴۷. محتشم دولتشاهی، طهماسب (۱۳۷۰)، *مبانی علم اقتصاد خرد و کلان*، تهران: خجسته.
۴۸. محمدصادق، ابوالحسن؛ غزالی، عیدیت (۱۳۸۵)، *عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان*، ترجمه: احمد شعبانی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۹. محمدی عراقی، محمود؛ صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ رجبی، محمد؛ سلیمان پناه، سیدمحمد؛ میر، اکبر (۱۳۷۳)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی*، قم: سمت.
۵۰. مریجی، شمس‌الله (۱۳۷۵)، *تیین جامعه‌شناختی واقعه‌ی کربلا*، قم: مؤسسه‌ی آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، تدوین و نگار: عبدالحکیم سلیمی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.

۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *اخلاق در قرآن* (۲)، تحقیق و نگار: محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، *اسلام و نیازهای زمان*، تهران: صدرا.
۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، *نقدی بر مارکسیسم*، تهران: انتشارات صدرا، اول.
۵۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا، بیستم.
۵۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *انسان کامل*، تهران: انتشارات صدرا.
۶۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، پنجم.
۶۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، هفتم.
۶۲. معین، محمد (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، قم: نسل جوان، پنجم.
۶۴. موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۹۲)، *توسعه اقتصادی و برنامه ریزی*، تهران: دانشگاه پیام نور، پنجم.
۶۵. مهدی پور، علی اکبر (۱۳۸۸)، *پژوهه مهدوی*، قم: رسالت.
۶۶. نصری، عبدالله (۱۳۷۹)، *مبانی انسان شناسی در قرآن*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر.
۶۷. نصری، عبدالله (۱۳۸۳)، *انتظار بشر از دین*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر.
۶۸. نوروزی، محمد (۱۳۸۴)، *آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن*، قم: بوستان کتاب.
۶۹. یوسفی، احمد علی (۱۳۸۰)، *ریا و تورم*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر.